

یاد جانباختگان ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ را با ادامه مبارزه تا سرنگونی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی گرامی بداریم!



نشست جی بیست در تورنتو

نشست چهارم جی ۲۰ دستاوردی برای اعضای این گروه دربر نداشت، اما این بی نتیجه بودن کنفرانس، به اندازه تظاهرات هایی که در جریان این نشست صورت گرفت، مایه آزار سران دول امپریالیستی و دیگر دول بورژوازی نشد. آنها دیدند که اختصاص یک میلیارد دلار برای تأمین امنیت نشست شان، مانع از اعتراضات شور آفرین فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش آنتی گلوبالیزاسیون، فعالین محیط زیست، گروه های مختلف مهاجران، کمونیست ها، سوسیالیست ها و انسان های آزادیخواه و برابری طلب، نگردید.



اوج گیری کشمکش های درونی رژیم!

با تشدید انزوای هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در محافل بین المللی، و وارد آمدن فشارهای همه جانبه اقتصادی و سیاسی به رژیم از سوی، و رادیکال تر شدن مبارزات مردم از سوی دیگر، ترک های درون جناح اصولگرای حاکم، فراخ تر شده و ابعاد تنش های موجود در دستگاه حکومتی، بیشتر گردیده است. کار به جایی رسیده است که خود کارگزاران حکومتی اصولگرا، سر هر مسئله ای پته همدیگر و خودی هایشان را هم روی آب می اندازند و در هر جایی: «در مجلس، در نماز جمعه ها، در اجتماعات، حتی بر سر قبر مردگان شان هم»، علیه هم رجز می خوانند و بر سر هر موضوعی، شاخ به شاخ می شوند.

بحران در مدیریت بحران

به گزاف نخواهد بود که اگر بگوییم شبی دهشتناک سرتاسر پهنه ی گیتی را در دو سال گذشته در خود فرو برده است. تمامی اندام و اره های اقتصاد جهانی در جریان حرکت سریع و بلاانقطاع این شبی دهشتناک به بستر بیماری فکنده شده اند. شبی که از خویشتن خویش یک نظام واژگونه سر برآورده و تمام برج و باروی قلعه هایی که فتح ناشدنی می نمودند، ترک های عظیم برداشتند.



هراس رژیم از طغیان های کارگری و تشدید دستگیری فعالین کارگری



سیاست های رژیم علیه زنان محکوم به شکست است



سیاست شکست خورده ایجاد رعب، به خشم مردم دامن خواهد زد



عطا خلقی

اوج گیری کشمکش های درونی رژیم!

میلیارد تومانی دیگری در استان اصفهان، مجرمی با ارائه اسناد و مدارک جعلی به ادارات بازرگانی، گمرک و اقتصاد و دارایی و چند بانک، این دستگاه‌ها را از مقصد اصلی خود منحرف و حدود ۹۰ درصد از این تسهیلات بانکی را برای ساخت و ساز و کمتر از ۱۰ درصد این تسهیلات را با توجه به نوع تقاضا استفاده کرده است.

باید از آقای حبیبی، این "مدعی العموم" مردم اصفهان پرسید که حاضر است اسم و مشخصات کامل این مجرم و سابق و پیشینه و حلقه های ارتباطی ایشان را به دولت و نظام جمهوری اسلامی اعلام کند؟ آیا این مجرم و آن زمین خوار دیگر، از همان تباری نیستند که بنا به گزارش های رسمی، تا کنون نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار تحت عنوان: «وام تسهیلاتی» برای پروژه های طرح بنگاه های "زود بازده"، از سیستم بانکی کشور خارج کرده اند؟! آیا اینها نیز از تبار همان بساز و بفروش های سپاه پاسداران و نزدیکان احمدی نژاد و شرکای آقای صادق محصولی عضو کابینه دولت نهم و دهم نیستند که تا کنون ریالی از این «تسهیلات بانکی» را به سیستم بانکی برنگردانده اند؟! اگر آقای محصولی در همین چند سال اخیر، به تنهایی از این «تسهیلات بانکی»، یک قلم ۴۰۰ میلیون دلاری بالا کشیده است و تا کنون هیچ مرجعی او را بازخواست نکرده است، معلوم است که پاسدارهای هم قطار سابق ایشان نیز که این روزها صاحب سرمایه ها و ثروت های نجومی گردیده اند و زمین و جنگل و دریا را صاحب شده اند، باید به حمایت دولت پاسداران، از طرق: زمین خواری، رانت خواری، سوء استفاده از «تسهیلات بانکی»، نپرداختن مالیات و حتی بازپس ندادن وام های میلیاردی، فساد مالی و اداری را به اوج خود برسانند!

شواهد و قرائنی حکایت از این دارند که تعداد کسانی که ظرف سه چهار سال اخیر بی حساب و کتاب غارت کرده اند و ثروت های میلیاردی بهم زده اند، بالغ بر ۲۰۰ نفرند که عمدتاً فرمانده نظامی و آخوند و وکیل و وزیراند. واقعیت این است که بهر اندازه جدال غارتگران این مملکت بر سر تصاحب سهم بیشتری از حاصل کار و زحمت کارگران بالا می گیرد، بازتاب آن، خود را در گلاویز شدن ها، افشاگری ها و لو دادن های همدیگر، بشکلی عریان تر خودنمایی می کند.

کشمکش های مجلس و دولت و قوه قضاییه بر سر طرح ها و لوایح، رد کردن طرح های دولت از سوی مجلس و ادعاهای احمدی نژاد مبنی بر غیر قانونی بودن برخی از مصوبات مجلس و بیجا دانستن ادعاهای احمدی نژاد از سوی شورای نگهبان و هشدار این شورا به وی، همگی حکایت از این دارند که بحران حاکمیت

و جامعه اطلاع رسانی خراسان جنوبی، در رابطه با سوء استفاده ها و فساد مالی و اداری رژیم، گفته است: «میزان معوقه های مالیاتی در سطح کشور، شش هزار میلیارد تومان است.» البته "حفظ مصالح نظام اسلامی" به ایشان حکم کرده است که نامی از هیچ مقام و منصب حکومتی را که بیشتر کارخانه ها، شرکت ها، و مراکز بزرگ تولیدی کشور را در تصاحب دارند، بمیان نیاورد و نگوید چه کسانی، کدام فرمانده نظامی سپاه پاسداران، کدام صاحب منصب اداری، کدام آیت الله مبارک در حوزه های آخوندی و شورای نگهبان و مجلس خبرگان، کدام تاجر گردن کلفت بازار، و...، مالیات های میلیاردی دلار سرمایه ای را که در گردش دارند، نپرداخته اند؟! پورمحمدی اضافه می کند که معوقات بانکی و مالیاتی عدد و رقم های بزرگی است که می تواند فساد را در کشور نهادینه کند و ثروت های انبوه و افسانه ای را شکل دهد. به زعم ایشان علیرغم همه دزدی ها و چپاولگری های روزانه ای که در مملکت توسط کارگزاران حکومتی صورت می گیرد که تنها یک قلم آن، - شش هزار میلیارد تومان معوقه مالیاتی است - که جناب شان به آن اشاره کرده اند، هنوز فساد در دم و دستگاه اداری و حکومتی نهادینه نشده است!

آقای پور محمدی خودش هم می داند که از همان روزهای آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی، با راه افتادن بساط دزدی و غارت و تجاوز به حقوق مردم، نطفه نهادینه شدن فساد مالی و اداری در کلیه ارگان های حکومتی بسته شد و آخوندها و آقازاده های میلیاردی و پاسداران پول پارو کن و وکلا و وزرای صاحب کارخانه و زمین خوار و مافیای تولید و توزیع و صدور مواد مخدر، محصول همین پروسه اند.

اعضای رده بالای مافیای چند ضلعی دستگاه حاکم، هرازگاهی برای کم کردن روی رقبای شان، چشمه هایی از کثافت کاری ها و بند و بست های درون سیستم فاسد را رو می کنند. و با قربانی کردن دزدها و کلاهبردارهای رده های پائین تر که به موقع گردن کج نکرده اند و به اندازه کافی باج نپرداخته اند، آنها را با ژست "مبارزه با فساد و مفسدان" از سر راه برمی دارند.

برای نمونه محمد رضا حبیبی، دادستان عمومی و انقلاب استان اصفهان گفته است: مفسدان بزرگ اقتصادی در پرونده زمین خواری اصفهان شناسایی و دستگیر شدند. او اضافه می کند که اعضای این باند، حاضر به پرداخت دو میلیارد تومان رشوه به معاونان دادستان استان اصفهان و ۵۰ میلیون تا یک میلیارد تومان هم به دیگر مجریان قانون برای جلوگیری از طرح این پرونده شدند.

آقای حبیبی می افزاید که در بررسی پرونده ۴۰

با عمیق تر شدن بحران اقتصادی و تحریم های سنگین از سوی آمریکا و غرب، باندهای مافیایی حکومت فاشیستی ایران، در غارت ثروت ملی و حاصل کار و رنج کارگران و زحمتکشان، نه تنها از هم سبقت می گیرند؛ که با هم نیز گلاویز می شوند!

جناب حاکم، در ادامه کودتای خزنده و ادامه دار خود، در تلاش است تا به هر ترتیب، بر هر آنچه که کم و بیش در دست جناب رقیب باقی مانده است، چنگ بباندازد!

در جریان این چنگ اندازی ها، دامنه کشمکش ها، فراتر از دو جناح حاکم و رانده شده از حکومت، به درون خود اصولگرایان هم راه یافته و روز بروز هم اوج بیشتری می گیرد.

با تشدید انزوای هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در محافل بین المللی، و وارد آمدن فشارهای همه جانبه اقتصادی و سیاسی به رژیم از سوی، و رادیکال تر شدن مبارزات مردم از سوی دیگر، ترک های درون جناح اصولگرای حاکم، فراخ تر شده و ابعاد تنش های موجود در دستگاه حکومتی، بیشتر گردیده است.

کار به جایی رسیده است که خود کارگزاران حکومتی اصولگرا، سر هر مسئله ای پته همدیگر و خودی هایشان را هم روی آب می اندازند و در هر جایی: «در مجلس، در نماز جمعه ها، در اجتماعات، حتی بر سر قبر مردگان شان هم»، علیه هم رجز می خوانند و بر سر هر موضوعی، شاخ به شاخ می شوند.

ظرف دو سه هفته اخیر، در میان همین جناح حاکم، «در دستگاه قضایی، در وزارتخانه ها، در حوزه های آخوندی، در همایش ها، در حواشی کنگره های حزبی، در جمع خبرنگاران، در صحن مجلس اسلامی، تنش های درون حکومتی، به بارزترین شکل؛ خود را نماینده است و پادرمیانی خامنه ای و وساطت و توصیه های وی هم، مانع افشاگری های این باندها علیه هم، نشده است.

در گیر و دار این افشاگری ها و نسق کشی های مافیای حکومت فاشیست اسلامی علیه همدیگر، ابعاد فساد اداری و مالی ارگان های حکومتی و میزان غارتگری های کارگزاران رژیم، علنی تر شده است. خود مفسدان حاکم بر کشور، تا حدود زیادی پرده ها را کنار زده اند و ابعاد غارتگری ها و کثافت کاری های این نظام را، برملا تر ساخته اند.

بد نیست چند نمونه ای از این چپاول و غارتگری ها را یادآور شد تا روشن تر گردد که چرا در این جامعه ۷۰ میلیونی، به اقرار مقامات رسمی خود این رژیم، ۵۰ میلیون انسان زیر خط فقر زندگی می کنند!

پور محمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در جمع تعدادی از مدیران دستگاه های اجرایی

رو به رشدی، در درون سیستم حکومتی جمهوری اسلامی، جاری است.

تازه ترین نمونه های اوج گیری این بحران، بر سر موضوع وقف اموال دانشگاه آزاد بود که در نتیجه بگو مگوهای تند و دعوای چند جانبه ای به مورد منازعه دولت و مجلس و صاحبان و اداره کنندگان آن تبدیل شد و جنجالی را ببار آورد که در حواشی آن خیلی چیزهای دیگر بروز یافتند.

این دعوای که این روزها در درون مجلس و بیرون آن، افتضاح ببار آورده اند، ماهیت باندهای مافیایی حکومت را در هیئت "نمایندگان مردم"، "دادرسان جامعه"، "مجریان خدمتگزار مردم"، به نمایش گذاشت!

در رابطه با موضوع دانشگاه آزاد، صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه در یک مصاحبه تلویزیونی، ضمن اینکه به صراحت اذعان می دارد که در برخی شرکت های دولتی فسادهای عمیق و عظیمی رخ داده است، در خصوص دانشگاه آزاد و در رابطه با دستور توقف مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط یکی از دادگاه ها، گفته است: «در روزهای اخیر جریانی مشاهده می شود که به نفع نظام، قوه قضائیه و مجلس نیست و عده ای آن را اسباب توهین به مجلس و قوه قضائیه قرار داده اند و فضا را آلوده می کنند.»

حکومتیان امروز جمهوری اسلامی، با اینکه هر جایی که مصلحت بدانند به سر امام شان قسم می خورند، اما خیلی وقت ها هم قدوسیتش را دور می زنند و هر آنچه مصلحت روزشان باشد، می کنند. و این خود، صدای آخوندهای سنتی تر و رهروان امام را که بیم نابودی نظام را در دل دارند، درآورده است.

اوایل همین ماه، آیت اله رضا استادی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و امام جمعه این شهر، در مراسم ختم داماد خمینی که عده زیادی آخوند و مقامات دولتی در آن حضور داشتند، گفته است: «به صلاح نیست که کارهایی که در زمان امام انجام شده زیر سؤال برود و حرمت مراجع شکسته شود.» وی افزوده است: «این چیز خوبی نیست که دولت، مجلس و شورای نگهبان هر کدام چیز جداگانه ای بگویند. اگر دولت و مجلس می خواهند کار کنند نیازمند آن هستند که بدون جنجال و سر و صدا کار خود را انجام دهند. زینده نیست که اگر کسی خلافی را انجام داد و گناهکار شناخته شد در مسیر راه او را کتک بزنند.»

اگر آیت الله استادی امام جمعه قم، کتک کاری خودی های درون حاکمیت را "نا زینده" توصیف می کند، علی مطهری یکی از نمایندگان مردم تهران در مجلس اسلامی و یکی از طرفین اینگونه کتک کاری های مورد اشاره آقای استادی، با صراحت بیشتری پرده از روی جنگ های لفظی و فیزیکی درون مجلس بر می دارد!

مطهری، در مطلبی که برای خبرگزاری «تابناک» فرستاده است درگیری خود و مهدی کوچک زاده نماینده دیگر مردم تهران را در رابطه با موضوع دانشگاه آزاد، اینگونه توضیح داده است:

«اینجانب در مخالفت با یک فوریت "طرح معتبر بودن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص دانشگاه آزاد اسلامی" صحبت می کردم، آقای کوچک زاده جاسوزنی فلزی حاوی سوزن و گیره را محکم به طرف من پرتاب کرد که اگر به صورت اینجانب اصابت می کرد معلوم نبود چه بلایی بر سر من می آمد. من اعتنا نکردم و به حرف خود ادامه دادم، اما ایشان از جای خود بلند شد و به سوی من آمد، گویی که قصد جان مرا دارد و حرف هایی زد که یادم نیست چه گفت. در اینجا ظاهراً من چند کلمه ای گفته بودم که خارج از ادب بود و البته در مجلس شنیده نشد و فقط کسانی که از رادیو گوش می دادند شنیدند و محتوای آن "بنشین" و "ساکت باش" و کلمه دیگری بود که معنی آن را نمی دانم...»

دامنه اختلافات و دسته بندی ها، در بیرون از مجلس و در مقابل آن نیز، ادامه می یابد تا جایی که خود اصولگرایان، دارودسته راه می اندازند و در مقابل مجلس تظاهرات می کنند و علیه مجلس و نمایندگانش شعار سر می دهند و مجلس اسلامی را «کیف انگلیسی» می خوانند!

ابعاد تنش درون خودی های حکومتی، چنان بالا می گیرد که صدای مظلوم نمایی رئیس مجلس بلند می شود و خطاب به آنها می گوید: «برخی شعارهایی که روز سه شنبه در اجتماعی که برخی عزیزان بسیجی دانشجو در جوار مجلس مطرح کردند، به هیچ وجه با مصالح نظام و ادب اسلامی سازگار نبود. دوستان عزیز! این شعارها و متاسفانه مطالب موهن دیگر در بنرها چیزی نبود که مخفی باشد؛ در منظر تمام رسانه های داخلی و خارجی این اقدامات صورت گرفت. آیا درست است قوه مقننه کشور که مفتخر به اسلامی بودن و ولایی بودن است اینگونه در معرض ناسزا و دشنام قرار گیرد؟ این مجلس را متهم به کیف انگلیسی می کنید؟ این مجلس را متهم به بی ولایتی و تهدید به تعطیلی می کنید؟ این مجلس خمینی است، این مجلس خامنه ای است.» تنها رئیس مجلس نیست که از زیر سؤال رفتن "مجلس خمینی و مجلس خامنه ای" و "مصالح نظام" توسط "عزیزان بسیجی دانشجو" صدایش درآمده است، رئیس قوه قضائیه نیز در اولین روز از هفته قوه قضائیه، در یک برنامه تلویزیونی، نگرانی خود را از زیر سؤال رفتن دستگاه قضایی و مجلس جمهوری اسلامی و کل نظام، ابراز کرده است.

آقای جواد لاریجانی برادر سوم لاریجانی ها هم، که دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه است، در نهمین کنگره سراسری جامعه اسلامی گفته است: امروز برای دشمنان هیچ چیز شیرین تر از این نیست که ما اصولگرایان در درون کشور به سر و کله هم بزنیم.

خامنه ای در گیرودار جنگ و جدل های اخیر خودی های اصولگرایان، نگران از اوجگیری بیشتر تنش ها، در دیدار جمعی از اعضای بسیجی هیئت های

علمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور گفته است: «امروز مهمترین نیاز کشور اتحاد و یکپارچگی است و هر گونه سخن، حرکت و نوشته ای که حتی با نیت صادقانه باشد ولی موجب شکاف و انشقاق در جامعه، و ظلم به افراد شود، برخلاف مصالح کشور و نظام اسلامی است.»

اصطکاک های روز افزون و خارج از عرف قوای سه گانه، تنش های درونی دستگاه حاکم، زد و خورد های اخیر نمایندگان مجلس، و تلاش های بی نتیجه خامنه ای در سر هم آوردن این گونه شکاف های درونی، همه و همه نشانه های بارزی از تشدید بحران حکومتی و آغاز شکل گیری دسته بندی های دیگری است.

کشمکش های درونی حاکمیت، در هر سطح و بر سر هر موضوعی که باشد و بهر درجه مورد علاقه و بهره برداری اصلاح طلبان حکومتی قرار گیرد، بهیچوجه نباید جانبداری هیچ کارگر و زحمتکش و انسان آزادیخواه و برابری طلبی را در حمایت از هیچکدام از طرفین دعوا برانگیزد.

کارگران و توده های فرودست جامعه که قربانی نظامی هستند که هر دو بال بورژوازی اصولگرای حاکم و اصلاح طلب رانده شده از حاکمیت، آخرین رمق شان را گرفته و آنها را به زیر خط فقر رانده اند، لازم است اعتراض و مبارزه شان را علیه کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی، سازمان دهند و هوشیارانه از شکاف های ناشی از دعوای درونی رژیم، سود جویند و تعرضی تر از پیش برای سرنگونی کلیت این رژیم به میدان آیند.

مردم مبارز و آزادیخواهی که عمیق ترین نفرت ها را به کل این رژیم دارند و هیچ توهمی به هیچ جناح و دسته ای از آن ندارند، لازم است بر بستر روابط طبیعی و روزمره خود، هم نظران و هم باوران بیشتری را به صف سرنگونی طلبان این رژیم بیفزایند و این صف را قوی تر و منسجم تر نمایند!

صرفنظر از اینکه جنگ و دعوای درونی حاکمیت و جناح ها و کلاً بحران حکومتی به چه روایی پیش خواهد رفت، کارگران و اقشار تهیدست جامعه لازم است به این نکته بیاندیشند که چگونه خواهند

توانست برای همیشه خود را از شر وجود این جنایتکاران غارتگر مرتجع، رها سازند! رهایی از شر حاکمیت خونبار سرمایه و جهل جمهوری اسلامی، جز با پیشگامی طبقه کارگر متشکل و رهبری این طبقه بر جنبش های رادیکال اجتماعی و شرکت وسیع



ترین اقشار توده های مردم ستمدیده، تهیدست و فقرزده در این جنبش ها، میسر نیست! سازماندهی این خیل عظیم میلیونی برای قیامی بنیان کن و برپایی حاکمیت شوراها، امری ضروری، لازم و در عین حال امکان پذیر است. برای پاسخ گفتن به این ضرورت، باید تعجیل کرد!

یاد ۱۸ تیر ۱۳۷۸ را با درس گیری از شجاعت رزمندگان آن و رفع کمبودهایش گرامی بداریم



رشد و پیشروی آنرا در حرکت های گسترده توده ای در سال گذشته شاهد بودیم. در تیرماه ۷۸ مردم با شعارهای روشن ضد دیکتاتوری خود خواست نفی این رژیم را در ابعادی توده ای بیان کردند. اما این مبارزات سازمان یافته نبود و فاقد رهبری بود. مردم به جان آمده آنچه را که نمی خواستند فریاد می زدند، اما هنوز نمی دانستند که چه می خواهند. مبارزات عظیم و شجاعانه روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیرماه سال ۱۳۷۸ بدون سازمان و رهبری و بدون افق سیاسی روشن، آماج حملات سازمان یافته رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در آن مقطع سرکوب شد. اکنون بیش از یک سال است که توده های مردم معترض بار دیگر در ابعادی گسترده تر به مصاف جمهوری اسلامی آمده اند. این نبرد اگر چه طی همین مدت فراز و نشیب هائی را طی کرده، اگر چه از گذشته خود درسهای ارزنده ای گرفته است، اما هنوز از کمبودهائی که به سرکوب مبارزات تیر ماه ۷۸ منجر شد رنج می برد و آینده آن در گرو رفع این کمبودها است. جنبش آزادیخواهانه جاری در ایران در محتوای واقعی خود رادیکال است، اما هنوز رهبری رادیکال و سراسری خود را بوجود نیاورده است. طبقه معترض اصلی جامعه یعنی طبقه کارگر اگر چه بصورت آحاد در ابعاد وسیعی در اعتراضات متنوع جاری شرکت دارد، اما هنوز نتوانسته است مهر خود را بر روند این مبارزه بعنوان یک طبقه مستقل و متشکل بکوبد. شرایط دشوار و تحمل ناپذیر کار و زندگی طبقه کارگر این طبقه را به ناچار به رویارویی با مسبب این فقر و فلاکت خواهد کشاند. این مبارزات به نیروی محرکه مبارزه بر علیه دیکتاتوری حاکم تبدیل خواهد شد. بر این زمینه واقعی است که پیشروان جنبش کارگری، دانشجویان و جوانان سوسیالیست و کمونیست، در متن شرایط مساعد کنونی و در متن توازن قوایی که به زیان رژیم تغییر یافته است، بایستی دست اندر کار پیوند دادن مبارزات پراکنده کارگران به همدیگر باشند، دست اندر کار توده گیر نمودن شعارهای دمکراتیک، انقلابی و سوسیالیستی باشند، دست اندر کار شکل دادن به تشکلهای کارگری باشند، دست اندر کار ایجاد نهادهایی باشند که مردم معترض را به هم پیوند می دهد و دست اندر کار تثبیت موقعیت خود به عنوان رهبران واقعی مبارزات رهایی بخش در ایران باشند و این آن درسی است که از رویدادهای تیرماه ۱۳۷۸ و سالهای متعاقب آن باید آموخت.

گفتار روز تلویزیون کومه له

۱۶ تیر ماه ۱۳۸۹ - ۷ جولای ۲۰۱۰

ساله نمایندگی خود قصد داشتند قانون مطبوعات را طوری اصلاح کنند که بستن نشریات منتقد ساده تر باشد. سلام، روزنامه اصلاح طلبان، در روز ۱۵ تیر ۱۳۷۸ چنین تیتز زد: "سعید امامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است". این مامور بدنام اطلاعاتی برای گم کردن رد پای فرماندهان اصلی تر قتل های زنجیره ای، به عنوان مسبب اصلی آن جنایات به جامعه معرفی شده بود. قوه قضائی "روزنامهی سلام" را در روز ۱۷ تیر بست. دانشجویان غروب آن روز در داخل و اطراف کوی دانشگاه اعتراضاتی دسته جمعی را ترتیب دادند و خواستار رفع توقیف از روزنامه "سلام" و عدم تصویب لایحه اصلاح قانون مطبوعات شدند. بر اساس شهادت کسانی که خود در آن زمان در حزب الله نقش رهبری داشتند نیمه های شب و پس از فروکش کردن اعتراضات دانشجویی به دستور "خامنه ای"، افراد حزب الله و سایر نیروی نظامی و انتظامی با توحش تمام به داخل کوی دانشگاه ریختند، دانشجویان در حال خواب را بیدار و به شدت مصدوم و یکی از آنها به نام "عزت الله ابراهیم نژاد" را به قتل رساندند. دانشجویی به نام "فرشته عزیزاده"، نیز در بامداد ۱۸ تیر در کوی دانشگاه دستگیر و زیر شکنجه جانباخت. دانشجویان و شماری از اهالی خیابان کارگر شمالی روز ۱۸ تیر دست به اعتراض زده و مورد حمله مأمورین رژیم قرار گرفتند و در حین کشمکش ها یک دانشجوی دختر به نام "تامی حامی فر"، نیز به دست مأموران رژیم کشته شد. تظاهرات و اعتراضات تا ۵ روز یعنی تا ۲۳ تیر ادامه داشت. در اینمدت شعارها روز به روز رادیکالتر گردید و کلیت رژیم و دیکتاتوری مذهبی را مورد هدف قرار داد. در دو روز آخر، یعنی روزهای ۲۲ و ۲۳ تیر که مبارزات رنگ توده ای به خود گرفت ۱۴۰۰ تن دستگیر گردیده و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند و شماری نیز زیر شکنجه جان باختند. مبارزات ۵ روزه مردم و دانشجویان در ۱۸ تا ۲۳ تیر مورد حمایت دانشجویان در شهرهای دیگر قرار گرفت. رویداد جنایتکارانه ۱۸ تیر در کوی دانشگاه سرآغاز تشدید اختلاف بین نیروهای درون حاکمیت، یعنی اصلاح طلبان و محافظه کاران بود. اما بسیار مهمتر از آن ۱۸ تا ۲۳ تیر روزهای به میدان آمدن مردم معترض و سردادن شعار علیه جمهوری اسلامی و رهبری آن بود. به این اعتبار می توان مبارزات دانشجویی و مردمی آن روزها را سرآغاز توده گیر شدن مبارزات آزادیخواهانه و رهایی بخش مردم ایران علیه رژیم اسلامی دانست، مبارزاتی که ابعاد

روزهای هجدهم تا بیست و سوم تیرماه ۱۳۷۸ شهر تهران میدان رویارویی دانشجویان و مردم معترض با دستان خالی با نیروهای تا دندان مسلح رژیم بود. حوادث آن روزها با حمله پاسداران و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه تهران آغاز شد. در جریان شبیخون شبانه نیروهای رژیم به کوی دانشگاه شماری جانباختند و عده کثیری از دانشجویان زخمی گردیدند. این رویداد با واکنش شدید دانشجویان در تمام دانشگاه های ایران روبرو شد و شهر تهران هم به صورت میدان نبردی پرشور بر علیه رژیم اسلامی درآمد. اکنون و در روزهای منتهی به ۱۸ تیر اقدامات سرکوبگرانه رژیم برای جلوگیری از گرامیداشت یاد جانباختگان این روز شدت گرفته است.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بر میزان فشارهای جنایتکارانه علیه دانشجویان و کارگران افزوده است. تاکنون شماری از فعالین کارگری به بهانه های واهی راهی زندانها شده اند. مأموران رژیم همچنین شمار زیادی دانشجو از دانشگاه های تهران، تبریز، قم و قزوین را احضار و ضمن بازجویی آنها را تهدید کرده اند که در صورت شرکت در تجمعات اعتراضی با آنها شدیداً برخورد خواهند کرد. شماری دانشجو نیز به تعلیق و محرومیت از امکانات خوابگاه محکوم و شمار دیگری نیز دستگیر شده اند. رژیم که تظاهرات گسترده دانشجویی و توده ای سال گذشته را تجربه کرده، به این امید دلخوش کرده که بتواند با سرکوب گسترده دانشجویان در تهران و چند شهر دیگر از تکرار تظاهرات و اعتراضات در سال جاری جلوگیری کند. سال گذشته در سالروز ۱۸ تیر دانشجویان رزمنده، که مورد حمایت وسیع مردم بودند در تهران در مقابل حملات مأموران رژیم از خود به دفاع برخاستند. مردم و دانشجویان در این روز با شعار "مرگ بر دیکتاتور" مستقیماً خامنه ای را هدف نفرت و مبارزه خود قرار دادند. توحش مأموران گوناگون رژیم در ۱۸ تیر سال ۸۸ شدید بود و در این روز فقط در تهران صدها نفر دستگیر شدند که رژیم خود به دستگیری ۱۹۷ نفر اقرار کرد. یکی از دستگیر شدگان "محسن روح الامینی"، بود که در زندان کهریزک تحت شکنجه جان باخت. در این روز در چند شهر نظیر شیراز نیز دانشجویان با برپائی تجمعات اعتراضی شجاعت دانشجویان و مردم در سال ۷۸ را ستوده و نفرت خود از توحش رژیم را تکرار کردند. اما ۱۸ تیر و مبارزات متعاقب آن، که برگ زرینی در پرونده دانشجویان انقلابی و مردم مبارز است، چگونه اتفاق افتاد؟ نمایندگان محافظه کار مجلس در اواخر عمر چهار

هراس رژیم از طغیان های کارگری و تشدید دستگیری فعالین کارگری

اطلاعیه کمیته هماهنگی درباره ادامه بازداشت رضا شهابی و سعید ترابیان



کمیته هماهنگی
برای کمک به ایجاد
تشکل های کارگری
بازداشت ادامه
خودسرانه "رضا

شهابی و سعید ترابیان" دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران را محکوم نمود. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن بازداشت این دو فعال کارگری و دیگر فعالین کارگری از جمله "مهدی فراچی شاندیز" خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی شده است.



صدور حکم ۲ سال زندان برای خسرو بوکانی فعال کارگری و عضو هیئت اجرایی کمیته هماهنگی



بر اساس اطلاعیه خبری کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، شعبه اول دادگاه انقلاب

ارومیه، حکم دو سال زندان، به اتهامات واهی و همچنین عضویت در کمیته هماهنگی را در روز دوشنبه ۷/۴/۱۳۸۹ به خسرو بوکانی ابلاغ کرد. لازم به توضیح است که این حکم تا ۲۰ روز از زمان صدور آن قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، احضار و دستگیری کارگران و فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این گونه اقدامات ضد کارگری و غیردمکراتیک است.

هشدار داد. در این مقاله پس از برشمردن وضع اسفبار اقتصادی نوشته شده بود: "طی چند ماه گذشته تمامی اخبار دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها دارد. ادامه روند کنونی و بی توجهی به رکود بنگاههای اقتصادی موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت. انگیزه اصلی این حرکت خودجوش نگرانی از گرسنگی خانواده و شیر خشک فرزند نوزاد و اجاره مسکن آخر ماه و ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است."

نویسنده در بین خطوط نوشته است که موجودیت کل رژیم در صورت راه افتادن چنین امواجی به خطر جدی می افتد. ترس از این خیزش احتمالی در شرایط وخیم تر شدن وضع اقتصادی و سیاسی رژیم سرچشمه حمله به فعالین کارگری و تشکل های آنهاست.

این یک امر آشکار است که رژیم در نتیجه مبارزات توده ای یکسال گذشته و تعمیق بحرانهای سیاسی و اقتصادی به شدت ضعیف شده است. نگرانی رژیم از اینست که فعالین طبقه کارگر در دل مبارزات ضد دیکتاتوری و آزادخواهانه جاری نفوذ اجتماعی و طبقاتی بیشتری پیدا کنند. نگران گسترش تشکل های مستقل کارگری است. رهبران کارگری را دستگیر می کند تا بلکه راه را بر گسترش اعتراضات کارگری سد کند. دستگیری پر سر و صدا و همراه با رفتار وحشیانه برای از حرکت باز داشتن طغیانی است که "احمد توکلی"، هم پیش بینی کرده است.

آیا رژیم در این کشمکش پیروز خواهد شد؟ پاسخ بدون شک منفی است. چنین سیاستی در مقابله با مبارزات طبقه کارگر در هیچ جای جهان به نتیجه نرسیده است تا جمهوری اسلامی دومی آن باشد.

طبقه کارگر برای جلوگیری از تباهی جسمی و روحی خود راهی جز مبارزه با شرایط فلاکت باری که رژیم سرمایه داران بر وی تحمیل کرده است ندارد و این مبارزات چشمه جوشان پرورش رهبران کارگری است و این گونه دستگیری ها نمی تواند آنرا خشک کند.

هدف رژیم از این دستگیری ها که جدا نگهداشتن فعالین از توده کارگران است متحقق نمی شود. اعمال رفتار وحشیانه بر علیه رهبران کارگری بر دامنه خشم عمومی از رژیم می افزاید. رژیم در شرایطی قرار گرفته که اعمال سیاستهایی از این نوع بزبانش تمام خواهد شد. این سرنوشت محتوم هر رژیمی است که به دلیل مواضع طبقاتی و عملکردهایش به سرانگیب سقوط می افتد.

مدتی است که یورش ماموران جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری تشدید شده است. بنا به خبر "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، روز ۱۱ تیر ماه هفت تن از اعضای کمیته هماهنگی با اسامی "صمد احمدپور، رحمان تنها، رحمان ابراهیم زاده، فتاح سلیمانی، حسین پیروتی، عباس هاشم پور و عیسی ابراهیم زاده"، از فعالین کارگری شهر اشنویه از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه احضار و به آنان اعلام شد تا در تاریخ ۲ مرداد ماه در این دادگاه حاضر شوند.

قابل ذکر است که نامبردگان سال گذشته از تاریخ ۸ اسفند ماه به مدت ۱۲ روز در بازداشت زندان سپاه پاسداران واقع در ارومیه بودند و هر کدام با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

طبق خبر همین کمیته "خسرو بوکانی"، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۷ تیر دادگاهی و به اتهامات واهی به دو سال زندان محکوم شد. روز ۵ تیر ماه نیز خبر رسید که حکم ۴ ماه حبس تعزیری برای "کاه گل محمدی"، از اعضای کمیته هماهنگی تایید گردید. دستگاه قضایی رژیم به "پدرام نصرالهی" فعال کارگری که اخیرا از زندان آزاد شده اطلاع داده است که باید روز ۲۲ تیر ماه بار دیگر جهت محاکمه خود را به دادگاه سندج معرفی نماید. در روز ۱۹ خرداد ماه ماموران رژیم به طرزی وحشیانه به منزل "سعید ترابیان"، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، ریختند و او را با خود به نقطه نامعلومی بردند. سه روز پس از آن "رضا شهابی"، یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، دستگیر و به نقطه نامعلومی انتقال داده شد. در هر دو مورد مامورین در مقابل اعضای خانواده هایشان، این دو فعال کارگری را مورد توهین و تهدید فراوان قرار دادند. این تهاجمات وحشیانه همزمان با تشدید فشار بر فعالین کارگری زندانی و از جمله "منصور اسالو"، انجام گرفته است.

هر کس به اخبار هجوم به فعالین کارگری، که بخشی از آنها ذکر شد، نگاهی بیاندازد از خود خواهد پرسید چرا این دستگیری های پر سر و صدا در چنین ابعادی انجام می گیرد؟ برای یافتن جواب باید نگاه مختصری به اوضاع هیئت حاکمه انداخت.

سایت الف متعلق به "احمد توکلی"، مجلس نشین دست راستی، در مرداد ماه سال گذشته و در گرماگرم مبارزات توده ای و آزادخواهانه مردم ایران مقاله ای منتشر کرد و در آن راجع به خطر جریان یافتن طغیان های کارگری

همه آحاد جامعه باید از آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی فعالیت سیاسی و تشکیل احزاب، آزادی عقیده و تبلیغ آن، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تحصن، و آزادی تشکیل سندیکا، و هر نوع تشکل صنفی و سیاسی دیگر برخوردار باشند!



قهرمان طبقه‌ی کارگر (۱)

از: جان لنون
ترجمه‌ی فریدون ناظری



این آن چیزیه که باید شد.
باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

اگر میخوای یه قهرمان باشی
خوب، دنبال من بیا
اگر میخوای یه قهرمان باشی
خوب، دنبال من بیا

(۱) این ترانه، که شعر و آهنگش از خود اوست، در دسامبر سال ۱۹۷۰ به بازار آمد. لنون در مصاحبه‌ای که در همان ماه دسامبر انجام داد راجع به آن چنین گفت:

"من فکر می‌کنم که این ترانه واقعا انقلابیه. مفهومش انقلابیه و امیدوارم واسه‌ی طبقه‌ی کارگر باشه، نه برای زنان و مردانی که فقط دنبال سکسن. من فکر می‌کنم این ترانه واسه‌ی کسانیه مث خود من که از طبقه‌ی کارگرم -حالا چه از لایه‌های بالا یا پائینش- یعنی اونانی که قراره توی ماشین بیاندازنشون، چرخشون بدن و تبدلشون کنن به طبقه‌ی متوسطه؛ همه‌اش همینه. این تجربه‌ی منه و امیدوارم که این یه هشدار باشه برای مردم. وقتی که میگم ترانه انقلابیه، مقصودم این نیس که اثر در خودش انقلابیه، بلکه یه ترانه‌س واسه‌ی انقلاب."

هم کارشناسان و هم شنوندگان راجع به این ترانه طی ۴ دهه‌ی گذشته اظهار نظرهای بسیاری کرده‌اند. در زیر اظهار نظر چند شنونده را می‌آورم که در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ بیان شده‌اند:

۱- این ترانه عظیمه و ماهیت واقعی سرمایه‌داری رو خوب تصویر میکنه. ما رو طوری آموزش میدن که فکر کنیم چیزی نیستیم جز آنچه که بوروکراسی می‌گه هستیم. به دلیل سيطرة‌ی این نظام تموم عمرمون رو در بدبختی و ترس می‌گذرونیم و پاداشمون جز تلویزیون و مذهب نیس.

۲- این ترانه از شرایط حاکم بر انسان صحبت میکنه. تو تا آخرین رمق و تموم عمر کار می‌کنی، اما رو نردبون [طبقات] همون جانی هستی که به وقت تولد بودی. اینم به دلیل این سیستم اجتماعی و طبقاتیه که ما در آمریکا داریم.

۳- ترانه راجع به یه جامعه‌ی غیر عادلانه‌ای هستش که به عنوان طبقه‌ی کارگر علیه ماس. نشون میده که چطوری طبقه‌ی حاکم ما رو بازی میدن و بهمون ظلم میکنن. ترانه میگه که طبقه‌ی حاکم رو ولش کنیم و علیه اونچیزی مبارزه کنیم که میخوان به ما تحمیل کنن. اینه که میگه قهرمان طبقه‌ی کارگر بشیم.

۴- این عجیب نیس که تلویزیون، سکس و مذهب میتونن این همه آدم رو تخدیر و چونون مگ کنن که نتونن تحرکی داشته باشن؟ همه‌ی ما میخوایم تو این توهم غرق بشیم که آمریکا برتر و شکست ناپذیره و اگه ما پول کافی داشته باشیم تا امنیت و شادی بخریم زندگیمون تکمیله. این ترانه واقعیات رو بیان میکنه و من هر وقت بهش گوش میدم به فکر فرو میرم که چه جانمایی در توهم ثروت تباه میشن، در توهم "رویای آمریکائی".



همینکه به دنیا اومدی با محروم کردنت از تموم فرصتا

کاری میکنن که احساس حقارت بکنی
و دردت چونون بزرگ بشه که دیگه نتونی چیزی
رو احساس کنی

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

تو خونه آزارت میدن و تو مدرسه میافتن به
جونت

اگه فهمت تیز باشه ازت متنفر میشن
از احقم که بدشون میاد

و تو تا به تمامی خل مزاج نشی
نمیتونی از قواعدشون پیروی کنی.

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

وقتی بیس سال آزرگار شکنجهت دادن
و ارعابت کردن

توقع میکنن که شغلی دست و پا کنی
از اونجا که پری از ترس و هراس

دیگه نمیتونی کارت رو به خوبی انجام بدی
باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود

این آن چیزیه که باید شد.
باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود

این اون چیزیه که باید شد.
با مذهب، سکس و تلویزیون،

منگ نگهت میدارن

و تو وهم برت میداره که خیلی زرنگی
و بی طبقه و آزادی

و تا آنجا که به عقل من میرسه
تو یک بی فرهنگی

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این آن چیزیه که باید شد.

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود
این اون چیزیه که باید شد.

به تو میگن هنوز
جائی اون بالاها بالاها هس

و اگه بخواهی مث همه‌ی اون جماعت بالا نشین
باشی

اول باید یاد بگیری
بخندی، وقتی که میکشی

باید قهرمان طبقه‌ی کارگر بود

نصرت تیمورزاده

بحران در مدیریت بحران

معیشت اقشار تحتانی جامعه نبوده و اکنون باید بار بحران را کسانی به دوش می‌گرفتند که نه تنها نقشی در ایجاد بحران نداشتند، بلکه قربانی بلافصل بحران جاری بودند. اگر در جریان حل بحران مالی جهانی مسابقه‌ای جهت مهار بحران از طریق تزریق میلیاردها دلار بین دول سرمایه‌داری برپا شده بود اکنون نیز در هجوم به اقشار تحتانی جامعه با یکدیگر به رقابت پرداخته و آن دولتی که بیش از همه قادر است این هجوم را سازمان دهد با کف زندهای بازار بورس و مؤسسات مالی روبرو گردید.

اشاره به طرح‌های صرفه جویی برخی از دول سرمایه‌داری سیمای کلی این هجوم وحشیانه را تصویر می‌کند.

آلمان: کابینه آلمان تصویب کرد که سالانه ۱۰ میلیارد یورو صرفه جویی نموده و در چهار سال آینده مبلغ ۸۰ میلیارد یورو از بدهی‌های دولت را کاهش دهد. برای این منظور حقوق کارکنان دولت در چهار سال آینده افزایش پیدا نخواهد کرد. حقوق بیکاری کاهش خواهد یافت. حق والدین که از محل بودجه خدمات عمومی تامین میشود، به کارگران بیکار پرداخت نخواهد شد. نرخ بیمه بیماری بالا رفته و علاوه بر آن اضافه پرداخت در مراجعه به پزشک افزایش پیدا خواهد کرد. در عین حال صحبت از این است که در ماههای آینده مالیاتها را از ۱۹ به ۲۱ درصد برسانند. طبق آمار موجود از زمان آغاز بحران ۲،۱ میلیارد ساعت کار در آلمان از بین رفته است. این رقم معادل ۱،۴ میلیون محل اشتغال کامل کار می‌باشد. تنها در بخش صنایع فلز و الکترونیک ۳۲ درصد از کارگران به علت کاهش ساعت‌های کار مزد کمتری دریافت کرده‌اند. و ۶۵ درصد از کارگران اعلام نمودند که در طول ۲ سال گذشته فشار کارفرمایان در محل کار بر روی آنان افزایش پیدا کرده است. اتحادیه‌های کارگری آلمان اعلام کردند که چنان چه طرح صرفه جویی کابینه در پارلمان مورد تصویب قرار گیرد با مقاومت همه جانبه اتحادیه‌های کارگری روبرو خواهد شد.

رومانی: طبق دستورالعمل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، دولت رومانی باید حقوق کاکنان دولتی را ۲۰ درصد و خدمات اجتماعی را ۱۵ درصد کاهش دهد. در اعتراض به این طرح در آخر ماه می بزرگترین تظاهرات مردم رومانی در ۲۰ سال گذشته صورت گرفت.

اسپانیا: پارلمان اسپانیا طرح «رفرم بازار کار» دولت ساپاتروس با یک رأی اضافی در دستور کار خویش قرار داد. این طرح در دو ماه آینده در پارلمان اسپانیا مورد بحث قرار گرفته و

مؤسسات مالی و کمپانی‌های عظیم تولیدی از طریق تزریق رقم‌های نجومی در کشورهای متروپل سرمایه‌داری آغاز گردید. اگر چه در جریان پیش برد این سیاست قادر گشتند، برخی از این مؤسسات را نجات داده و برخی را به حساب مالیات‌های مردم دولتی کرده و برخی را از صحنه جامعه جاروب نمودند و پس آنگاه فریاد شوق برآوردند و از طریق وسایل ارتباط جمعی متعلق به خویش فریب عمومی را به کار بستند که بحران را مهار کرده‌اند. صد البته مدت زمانی طولانی لازم نبود که برملا گردد که بحران را از طریق انتقال آن به دولتها مهار زده‌اند. و اکنون این دولتها بودند که با بحران عظیم مالی روبرو گشته و در این بستر مدیریت مهار بحران خود، در بحران غوطه‌ور گردید. اگر چه در همان ماههای اول کشورهای کوچکی نظیر لیتوانی، ایسلند، پاکستان... با ورشکستگی کامل روبرو گشته‌اند، ولی سر برآوردن بحران دولتی در یونان به مثابه کوه آتشفشان دهان باز کرده و معلوم شد در جریان حل بحران مالی جهانی، تمام دول قدرتمند سرمایه‌داری با کوهی از قروض مالی مواجه‌اند. اراقمی که از طرف مؤسسات وابسته به دنیای سرمایه‌داری اعلام شد، یعنی درصد بدهی دولت یونان در مقایسه با تولید ناخالص ملی در انتهای سال ۲۰۰۹ معادل ۱۱۵،۱، پرتغال ۷۶،۸، ایرلند ۶۴، ایتالیا ۱۱۵،۸، اسپانیا ۵۳،۲ و آلمان ۷۳،۲ درصد می‌باشد، آنوقت کودن‌ترین ذهن هم درک کرد که بحران جهانی مهار نگردیده بلکه به جای دیگری یعنی دولتها انتقال داده شده است. از این رو «طرح صرفه جویی مالی» در دستور کار دولتها قرار گرفته است.

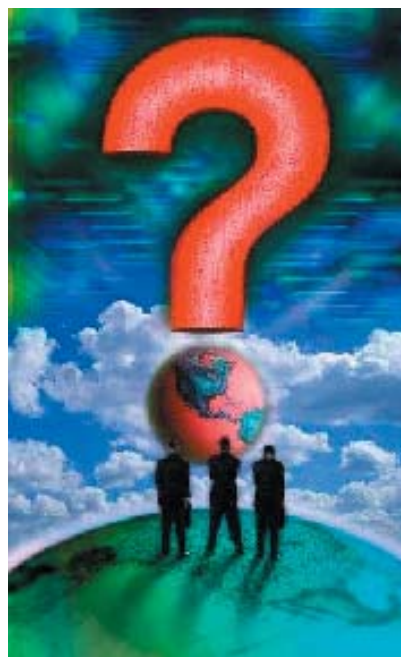
این صرفه جویی امری غیر از هجوم به زندگی و

به گزاف نخواهد بود که اگر بگوییم شبی دهشتناک سرتاسر پهنه‌ی گیتی را در دو سال گذشته در خود فرو برده است. تمامی اندام واره‌های اقتصاد جهانی در جریان حرکت سریع و بلاانقطاع این شیخ دهشتناک به بستر بیماری فکنده شده‌اند. شبی که از خویشتن خویش یک نظام واژگونه سر برآورده و تمام برج و باروی قلعه‌هایی که فتح ناشدنی می‌نمودند، ترکهای عظیم برداشتند.

سرمایه‌داری نه تنها به مثابه یک سیستم اقتصادی اعلام ورشکستگی نمود بلکه از منظر ایدئولوژیک سیاسی نیز جوهر ارتجاعی خود را به نمایش گذاشت. وقتی که در راس سیستم جهانی سرمایه‌داری بیش از ۱،۷ میلیون نفر در طول چند ماه کار خود را از دست دادند، وقتی که میلیونها انسان ناشی از فشار بهره‌ی بانکی خانه‌های مسکونی خود را به اجبار تخلیه کرده و به خیابانها پرتاب شدند، زمانی که هزاران نفر در قدرتمندترین اقتصاد جهان آخرین سنت‌های موجود خود را جمع آوری کرده و در کنار شهر سکرومنتو در ایالت کالیفرنیا در کنار رودخانه چادر تهیه کرده و یا در باصلاح خانه‌های بدون سقف زندگی را می‌گذرانند، درست به مانند کارگران مهاجر معادن طلا که ۱۵۰ سال پیش در کنار همین رودخانه در چادرها زندگی میکردند، زمانی که بیش از ۷۰ میلیون کارگر سیار در چین بیکار شدند، زمانی که بیش از ۳۰ میلیون کارگر صنعتی در کشورهای اروپایی کار خود را از دست دادند، و همزمان هزاران میلیارد دلار به پیکر بیمار بانکها، مؤسسات مالی و خدماتی و کمپانی‌های عظیم اتومبیل سازی تزریق شد، سیستم بربریت سرمایه‌داری آخرین تیر ترکش را به شقیقه‌ی اخلاق خویش شلیک نمود.

آنهایی که با هزاران ترفند در گوش مردم جهان می‌خواندند که «بازار خود قادر به تنظیم روابط خویش است» اکنون بی شرمانه خواهان دخالت دولتها در «تنظیم روابط بازار» گشتند. آنهایی که در گوشه گوشه جهان بازارهای بورس به راه انداخته و میلیاردها دلار در یک چشم به هم زدن از طریق رد و بدل اوراق بورس به جیب زده و شبها با خیال راحت به خواب می‌رفتند، اکنون فریاد بر میاورند که بانکها و بازار بورس را باید کنترل نمود. آن غول مالی را که از درون شیشه بیرون آورده بودند و تمام مرزهای جغرافیایی را برای جولانش بدون برج و بارو نهاده بودند، اکنون انبوهی از خرابی‌ها را برجای گذاشتند. مضحک این که کسانی که بحران را آفریده بودند اکنون می‌باید مدیریت مهار بحران را عهده‌دار می‌شدند. گرگ را به پاسداری گله گوسفندان گماردند.

دولتهای سرمایه‌داری در نشست و برخاستهای اضطراری میلیاردها دلار جهت مهار بحران اختصاص دادند. رقابت عنان گسیخته‌ای جهت نجات بانکها،



جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس
خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب جهان امروز با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام جهان امروز امضا شده باشد، موضع رسمی نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۳ است.

طریق افزایش مالیات‌ها تأمین نماید. نتیجه بلافضل این طرح بیکار شدن ۵۲۵ هزار نفر از کارکنان دولتی خواهد بود. علاوه بر آن طرح‌های مربوط به تعمیرات مدارس، بیمارستانها و احداث منازل ارزان قیمت برای اقشار پایینی جامعه کاملاً متوقف خواهد گردید. اداره مربوط به کمک هزینه تحصیلی دولتی منحل شده و این امر به مؤسسات خصوصی واگذار خواهد شد. وزیر خزانه‌داری مدعی گشت که در این صرفه جویی همه اقشار جامعه به طور یکسان باید سهم خود را بپردازند. از جمله این که بودجه مربوط به کاخ سلطنتی افزایش پیدا نکرده و در همان سطح ۷.۹ میلیون پوند باقی خواهد ماند. وی ابایی نداشت که با «سربلندی» تمام اعلام نماید که ملکه انگلستان با بزرگواری این صرفه جویی را پذیرفته‌اند. دبیر کل اتحادیه کارگری اوئیسون انگلستان اعلام کرد که این طرح «اعلام جنگ دولت بریتانیا به مردم» می‌باشد. «جنگی که از هجوم به کارکنان دولتی آغاز گردیده است.» دبیر کل اتحادیه کارکنان دولت نیز اعلام نمود که «طرح جدید دولت، جریمه‌ایست که پایین‌ترین اقشار جامعه به خاطر بحران ایجاد شده توسط قماربازان مالی باید پرداخت کنند.»

همین چند نمونه، راه حل سرمایه‌دارانه را جهت مهار بحران نشان می‌دهد. آنانی که با وقاحت تمام در بوق و کرناهای خود می‌دمند که گویا دولت‌های سرمایه‌داری مافوق طبقات قرار گرفته‌اند، اگر کوچکترین وجدان انسانی داشته باشند، ضرورتاً میباید در این تبلیغات افسار گسیخته‌ی خویش تجدید نظر نمایند.

اگر چه پاسخ طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه به این یورش وحشیانه دولتهای کارگزار سرمایه، سازمان دادن اعتراضات میلیونی بود، ولی متأسفانه این اعتراضات هنوز پاسخ مناسب به راه حل سرمایه‌دارانه نیست. نیاز به حضور قدرتمند طبقه کارگر و هماهنگی در جریان اعتصاب و اعتراضات همچنان به مثابه چالش عظیمی در برابر بخش رادیکال و سوسیالیستی جنبش کارگری جهانی خود را می‌نمایاند. لازم است این امر قبل از هر چیز حضور احزاب قدرتمند کمونیستی که راه حل سوسیالیستی را در مقابل طبقه کارگر بین‌المللی و توده‌های میلیونی مردم قرار دهند، می‌باشد. سرنوشت مبارزه طبقه و سرنوشت انقلاب در یک کشور هیچ زمانی به سان امروز با سرنوشت انقلاب جهانی و انترناسیونالیسم پرولتری گره نخورده بود. تردیدی نباید داشت که باید با اعتماد به نفس، با کوشش همگانی و جهانی به این چالش عظیم پاسخ شایسته داد.

۵ جولای ۲۰۱۰



در ماه اوت در صورت پذیرش پارلمان به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. از جمله مواد این طرح کاهش نرخ بازخرید کارگران و تسهیلات مربوط به بیکار سازی است. بنا به دستورالعمل بازار مشترک اروپا، دولت اسپانیا باید نرخ ۱۹ درصد بیکاری را کاهش دهد. بنا به ادعای وزیر کار اسپانیا این «رفرم در خدمت آن نیست که محل اشتغال جدید به وجود آورد بلکه جلوی بیکار سازی را بگیرد.» البته این تناقض را خود این وزیر باید پاسخ گوید که پایین آوردن نرخ بازخرید کارگران، و تسهیل در قوانین مربوط به بیکار سازی چگونه باید جلوی بیکار سازی را بگیرد. در اعتراض به این طرح در روز ۲۹ ماه جولای یک اعتصاب عمومی چند صد هزار نفره از طرف دو اتحادیه قدرتمند در مادرید برگزار گردید. از ۵ ماه جولای به مدت سه روز کارکنان متروها در اعتراض به ۵ درصد کاهش دستمزد دست به اعتصاب عمومی زدند.

فرانسه: دولت سارکوزی طرح صرفه جویی خود را از طریق هجوم به بازنشستگان آغاز نمود. بر مبنای این طرح سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۲ سال افزایش پیدا میکند. در اعتراض به این طرح در ۲۴ ماه ژوئن بیش از دو میلیون نفر در فرانسه اعتصاب کردند. بلوک کارگران مهاجر باصطلاح غیر قانونی که از ۸ ماه پیش در اعتصاب به سر می‌برند و همچنین باندرول بزرگی که بر روی آن نوشته شده بود «ما همه یونانی هستیم» جلوه‌هایی از همبستگی انترناسیونالیستی این تظاهرات بود. بر روی باندرول صف اول تظاهرات شعار «ما به سارکوزی نشان خواهیم داد!» به چشم می‌خورد.

ایتالیا: دولت برلوسگونی حجم صرفه جویی مالی را ۲۴ میلیارد یورو اعلام کرد. بر مبنای این طرح حقوق کارکنان دولت در چهار سال آینده ثابت مانده و بودجه خدمات عمومی و خدمات شهرک‌ها و محلات کاهش خواهد یافت. در اعتراض به این طرح در ۱۲ ماه ژوئن بیش از ۱۰۰ هزار نفر در رم دست به تظاهرات زدند.

انگلستان: ائتلاف دولت جدید محافظه کار - لیبرال انگلستان رقم صرفه جویی دولت را برای امسال ۶ میلیارد پوند انگلیسی اعلام نمود. این طرح در روز ۲۳ ماه ژوئن از طرف وزیر خزانه داری انگلستان تحت عنوان بودجه اضطراری که در ۵ سال آینده باید در دستور کار قرار گیرد به پارلمان ارائه داد. طبق گفته وزیر خزانه داری هدف دولت کاهش بدهی دولت از ۱۰.۱ به ۱.۱ درصد تولید ناخالص ملی است. طبق این طرح حقوق کارکنان بخش دولتی در دو سال آینده افزایش نخواهد یافت. طبق این طرح مبلغ ۱۱ میلیارد پوند از خدمات اجتماعی از جمله حقوق بیکاری کاهش یافته و مالیات‌ها از ۱۷.۵ به ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. دولت می‌خواهد ۷۷ درصد از صرفه جویی مالی خود را از کارکنان بخش دولتی و ۲۳ درصد بقیه را از

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کشور
حزب کمونیست ایران

norpardazan@yahoo.com
h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کومه له
(انتکاش)

takesh.komalah@gmail.com

فرشید شکری

نشست جهانی پیست در تورنتو



شنبه شب، بیست و ششم ژوئن، رهبران "گروه ۲۰" در شهر تورنتو دور هم گرد آمدند. بر پایه گزارشات منتشره، ابتدا رؤسای هشت قدرت بزرگ صنعتی جهان (آمریکا، کانادا، آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن و روسیه) در شهرک "موسکوکا" با یکدیگر دیدار کردند و در طی این ملاقات، در مورد مسائل مختلف به رایزنی پرداختند. گفته می‌شود حفظ امنیت دو نشست فوق بیش از یک میلیارد دلار هزینه داشته است. این مقدار تا کنون بالاترین هزینه‌ای بوده که جهت تأمین امنیت چنین اجلاس‌هایی پرداخت شده است.

گروه ۲۰ در سال ۱۹۹۹ در عکس العمل به بحرانی مالی قاره آسیا، برزیل و روسیه تأسیس گردید. بر اساس اطلاعات موجود «گروه ۲۰ دو سوم جمعیت دنیا، نه دهم قدرت اقتصادی، و چهار پنجم حجم تجارت در سطح جهان را نمایندگی می‌کند». در جمع گروه ۲۰ برخلاف "جی ۸" نه فقط کشورهای صنعتی قدرتمند، بلکه کشورهای همچون چین، هند و برزیل که اقتصاد ملی آنها در آستانه صنعتی شدن است، حضور دارند. کشورهای عضو گروه ۲۰ عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا. در هر اجلاس گروه ۲۰، سایر کشورها هم می‌توانند در این گردهمایی‌ها حاضر شوند. در جلسه اخیر این گروه رؤسای کشورهای هلند، اسپانیا و نیز نهادهای بین‌المللی مالی بورژوازی (صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) شرکت داشتند.

کارشناسان اقتصادی و امور راهبردی معتقدند «گروه ۲۰ در آینده به عالی‌ترین نهاد تنظیم سیاست جهانی مبدل خواهد شد و جایگزین گروه جی ۸ می‌گردد». متفکرین بورژوازی از جمله آقای "دیوید شور" از اتاق فکر "بنیاد استانی" ایالات متحده، بر این باورند که «سران کشورهای گروه ۲۰ تا بحال ظرفیت و توانایی‌های خود را در راستای غلیه بر بحران اقتصادی جهان نشان داده‌اند و بزودی به چالش‌های دیگر همانند سیاست کمک به ممالک در حال توسعه، و نیز تغییرات جوی زمین پاسخ خواهند داد!»

پیش‌بینی می‌شود گروه ۲۰ سوای موضوع‌های اقتصادی در عرصه‌های سیاسی و امنیتی هم به ایفای نقش بپردازد. از هنگام نشست نخست سران کشورهای عضو این گروه در واشنگتن (نوامبر ۲۰۰۸)، همگی اعضا بر روی یک "نقشه راه" بمنظور تدوین نظام مالی جهانی کار می‌کنند.

تظاهرات‌هایی که در جریان این نشست صورت گرفت، مایه آزار سران دول امپریالیستی و دیگر دول بورژوازی نشد. آنها دیدند که اختصاص یک میلیارد دلار برای تأمین امنیت نشست شان، مانع از اعتراضات شور آفرین فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش آنتی گلوبالیزاسیون، فعالین محیط زیست، گروه‌های مختلف مهاجران، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و انسان‌های آزادیخواه و برابری طلب، نگردید.

در این تظاهرات عظیم و باشکوه که در روزهای جمعه و شنبه (بیست و پنج و بیست و ششم ژوئن) برگزار گردید، برغم تلاش پلیس و نیروهای امنیتی برای خفه کردن صدای معترضین، یکبار دیگر فریاد اعتراض ستمکشان، و نفرت و بیزاری فرودستان کلیه جوامع بشری از وضع موجود به گوش خدایان زر و قدرت رسید. شاهدان عینی می‌گویند، جمعیتی حدود پنجاه هزار نفر از شهرهای مختلف کانادا (مونتreal، ونکوور، اتاوا) و همچنین ایالات متحده (واشنگتن، نیویورک و دیترویت) به تورنتو رفته بودند. این معترضین با شجاعت تمام، بدون محابا و بدون وحشت از پلیس و نیروهای ویژه ضد شورش که قریب بیست هزار نفر را تشکیل می‌دادند، خیابان‌های تورنتو را به میدان نبرد با بنیان استعمار و ستم و بی‌عدالتی مبدل ساختند.

خبرها حاکیست: تظاهرکنندگان شعارهای رادیکال و ضد سرمایه‌داری از قبیل "بحران را از جیب ما نبردازید"، "زنده باد سوسیالیسم"، "مرگ بر کاپیتالیسم"، "دموکراسی را بنگرید"، "حکومت پلیسی را نگاه کنید" و ... را سر دادند تا اینکه پلیس ضد شورش و نیروهای امنیتی با استفاده از گاز اشک‌آور، باطوم و گاز فلفل بسوی معترضین یورش بردند و بدین ترتیب درگیری‌های شدیدی میان طرفین روی داد. بنا به گفته شاهدان، چند ماشین پلیس در آتش سوخت و نزدیک به ۶۰۰ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند.

با نگاه به آنچه در تورنتو روی داد و با تعمق در برخورد غیر انسانی پلیس کانادا مجدداً این واقعیت برای همگان آشکار شد که برخلاف باور راست‌ها و چپ‌های پرو غرب که معتقدند در ممالک پیشرفته سرمایه‌داری "دموکراسی" هست و هر کس آزادانه می‌تواند عقایدش را ابراز دارد یا نسبت به ظلمی

معارض گردد، رخداد فوق به وضوح نشان داد که آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در این کشورهای به اصطلاح دموکرات هم بمانند ممالک



در نشست تازه این گروه حول راهکارهایی برای ثبات بازارهای مالی، اجرای برنامه‌هایی به هدف رشد اقتصادی کشورهای عضو، و تنظیم سیاست‌هایی نوین در زمینه مدیریت اقتصاد جهانی مذاکراتی صورت گرفت. رهبران این گروه در نظر داشتند تا در این همایش، نقش‌ها و راهبردهای گروه ۸ را به گروه ۲۰ انتقال دهند (۱). این اقدام به نیت شریک کردن ممالک "نو ظهوری" مثل چین در مدیریت اقتصادی جهان اتخاذ گردید (۲).

گروه پیست و ناگامی‌های پی در پی

از آغاز آشفتگی غیر قابل مهار سرمایه‌داری جهانی که از ماهیت ذاتی این نظام ناشی می‌شود و هر بار با ثابت ماندن و عدم رشد نرخ سود بروز می‌یابد - همایش‌های گروه ۲۰ به مهمترین محل تجمع نمایندگان طبقات فوقانی برای یافتن راه حل‌هایی جهت برطرف سازی بحران، هماهنگ کردن سیاست‌های نظام بردگی مزدی و استثمار شدیدتر توده‌های کارگر جهان مبدل شده است.

اعضای این گروه در مراحل ابتدایی بحران کنونی - که ورشکستگی اقتصادی و شکست سیاسی و ایدئولوژیک این شیوه و مناسبات تولیدی را در پی داشت، پایه‌های مشی نئولیبرالی را فرو ریخت، و قواعد و قانونمندی‌های سیستم مبتنی بر بازار آزاد را زیر سؤال برد - از سوئی با سرازیر کردن صدها میلیارد یورو و دلار به جیب بانک‌ها، صاحبان صنایع و مؤسسات مالی در حال ورشکستگی یا ورشکسته، و از جانب دیگر با تحمیل فقر و بیکاری، کاهش دستمزدهای طبقه کارگر، و تنزل دادن قدرت خرید توده‌های فرودست جوامع، خواستند تا رکود اقتصادی گسترده‌ایندوره را از میان بردارند، لیکن هیچ موفقیتی در این ارتباط حاصل نیامد.

بنا به اخباری که از طرف منابع مختلف خبری انتشار یافته‌اند، اینبار نیز در نشست چهارم این ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا، بحث‌ها و گفتگوهایی در رابطه با چگونگی خروج از بحران اقتصادی جاری انجام پذیرفت، با این تفصیلات این کنفرانس که روز دوشنبه بیست و هشتم ژوئن خاتمه یافت، باز دستاورد ملموسی برای آنها بدنبال نداشت (۳).

اعتراض علیه کنفرانس و

وحشیگری پلیس

همانگونه آمد، نشست چهارم جی ۲۰ دستاوردی برای اعضای این گروه دربر نداشت، اما این بی‌نتیجه بودن کنفرانس، به اندازه

سیاست های رژیم علیه زنان محکوم به شکست است!

کردن کار زنان نیز به خاطر راندن آنان از بستر اصلی جامعه سود برده است.

روند بیکار سازی و بیرون راندن زنان از بستر اصلی جامعه توسط جمهوری اسلامی دلایل گوناگونی دارد. دو عنصر اقتصاد و سیاست در این مورد نقشی کلیدی بازی میکنند و در میان این دو نیز نقش عامل سیاست بر نقش اقتصاد می چربد. رژیم جمهوری اسلامی درگیر یک بحران رو به افزایش اقتصادی است.

این بحران به دلیل وضع بحرانی دنیای سرمایه‌داری و تحریم‌های اقتصادی تشدید شده است. بیکاری چند میلیونی و در حال افزایش محصول این وضعیت است. جمهوری اسلامی امیدوار است با تحمیل بیکاری بیشتر بر زنان، مردان شاغل را تا حدودی از خود راضی نگهدارد. در ضمن راندن زنان از اشتغال رسمی و ناچار نمودن آنها به دست زدن به کارهای بسیار کم درآمد در میدان کار غیر رسمی موجب رضایت سرمایه‌داران می شود، سرمایه‌دارانی که در دل این بحران روز به روز از جمهوری اسلامی ناخشنودتر می شوند. در عرصه سیاسی نیز باید اشاره کرد که رژیم طی سالیان گذشته شاهد مبارزه زنان علیه خود بوده است. این مبارزه در تظاهرات ها و کشمکش های یکسال گذشته بسیار برجسته‌تر از هر دوره‌ای بوده است. وجود صدها هزار زن و دختر شجاع در صف مقدم رویارویی ها با ماموران رژیم در تظاهرات خیابانی جمهوری اسلامی را به این قناعت رسانده تا زنان را از جامعه و از عرصه کار رسمی بیرون براند و با تحمیل فقر و گرسنگی آنها را از پرداختن به امور سیاسی و مبارزاتی باز دارد. در ضمن این رژیم با پیاده کردن طرح‌هایی نظیر "حجاب و عفاف" و تقویت مرد سالاری ضمن راضی نگهداشتن مردان مرتجع کوشش کرده حتی آمدن به خیابان و بیرون آمدن از خانه را برای زنان مشکل و مشکل تر سازد.

سیاست منزوی کردن زنان در جامعه کار بسیار مشکلی برای جمهوری اسلامی است. □

مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی ویژگی های منفی زیادی دارند که فقط یکی از آنها وقاحت است. رئیس دولت همواره ادعا کرده و می کند که رژیم در مدیریت جهان شرکت می کند. در همین راستا یک مقام رژیم ادعا کرده که "اشتغال زنان ایرانی الگوی مناسبی برای جهان امروز است." او حضور فقط ۱۶ درصد از زنان در عرصه کار را یک دستاورد شمرده و تحقق آنرا ناشی از عنایت رژیم اسلامی به زنان دانست.

بی حقوقی تحمیل شده به زنان و از جمله زنان کارگر و شاغل توسط جمهوری اسلامی امری آشکار است. همین حضور ۱۶ درصدی زنان در عرصه اشتغال خود نمونه برجسته از اعمال اجحاف و تبعیض علیه زنان توسط رژیمی به تمامی مردسالار است. جمهوری اسلامی و بویژه دولت های نهم و دهم منظمآ زنان را از بازار کار رسمی، که با شبه قانون هائی حمایت می شود، به بازار کار سیاه و فاقد هرگونه پشتیبانی قانونی رانده است. آمارها نشان می دهند که در سال ۸۵ در برابر ۱۸ میلیون مرد رسماً شاغل فقط ۳ میلیون زن شغل رسمی داشته‌اند. در کنار این تبعیض آشکار در دادن فرصت شغلی به زنان، در بازار کار رسمی میزان بیکاری در میان زنان دو برابر مردان بوده است. طبق همین آمارها فرصت های موجود برای اشتغال زنان بویژه از سال ۸۵ به بعد مداوما در حال کاهش بوده است. برای نمونه اشتغال زنان دیپلمه به بالا در ۵ سال گذشته از ۹۷ درصد به ۹۰ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که آمار زنانی که دارای تحصیلات دیپلم به بالا هستند روز به روز در حال افزایش بوده است. به عنوان مثال در سال ۸۸ بیش از شصت درصد از ۳ و نیم میلیون دانشجویان ایران زن بوده‌اند. گذشته از این، تبعیض علیه زنان، به کارگیری حربه فشار و فریبکاری علیه آنان برای پرداختن به کار خانگی و دور ماندن از بستر اصلی جامعه نیز در حال افزایش بوده است. جمهوری اسلامی از بازنشستگی زود هنگام و نیمه وقت

□ اختناق زده تنها روی کاغذ نوشته شده و پیشیزی نمی ازند.

همانطور بارها تأکید کرده ایم، در دموکراسی های بورژوازی، فرودستان تا آنجا مخیرند عقاید سیاسی شان را بیان دارند که این نظرات در تضاد با منافع طبقات حاکم نباشد. در دموکراسی های بورژوازی، تا آنجا حقوق بشر رعایت می گردد که کسی در برابر بربریت نظام سرمایه داری قد علم نکند. در دموکراسی های بورژوازی، تا آنجا حق اعتصاب و اعتراض قانونی است که ضرری متوجه سرمایه داران نشود. و بلاخره در دموکراسی های بورژوازی بسان کشورهای استبدادی و دیکتاتوری، اطاعت محکومین از حاکمین شرط اصلی داشتن حق حیات است.

ضرورت ادامه مبارزات

آنچه امروزه امید به تغییر وضع فلاکتبار موجود را در دل ها زنده کرده، مبارزات مداوم طبقه کارگر در اطراف و اکناف جهان است. در این سالها با وجود اینکه دولت ها و سرمایه داران برای برون رفت از بحران اقتصادی فعلی مشکلات و دشواریهایی را برای کارگران همه ممالک دنیا آفریده اند، معزها خود این آشفستگی، و یورش های آنان، زمینه های عینی و واقعی اعتصابات و طغیان های کارگری را فراهم نموده است. در ایندوره کارگران برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، یونان، اسپانیا، ایتالیا و غیره بکرات علیه نقشه عمل های طبقات حاکم ایستادگی کردند. کارگران

۲۰۱۰/۰۷/۰۱

۱ - بروز بحران اقتصادی در جهان که از بازار مسکن آمریکا شروع شد هشت قدرت بزرگ اقتصادی (گروه ۸) را بر آن داشته تا نقش بیشتری به کشورهای نوظهور و در حال توسعه (تحت سلطه) بمنظور مدیریت و اداره اقتصاد جهان، و مضاف بر این مقابله با مشکلات اقتصادی بدهند.

۲ - قرار است گروه ۸ بطور مشخص در خصوص موضوعات ویژه ای مانند امنیت جهانی تصمیم گیری کند.

۳ - لازم به یادآوری است که در نشست گروه ۲۰ از طرف اتحادیه اروپا پیشنهاد داده شد که بر فعالیت های بانک ها مالیات ببندند، اما این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و با مخالفت آمریکا، برزیل، کانادا و هند مواجه گردید. از قرار معلوم کشورهای اروپایی قصد دارند این طرح را در محدوده اروپا تصویب و به مرحله اجرا در آورند.



سیاست شکست خورده ایجاد رعب، به خشم مردم دامن خواهد زد

ذهنها متبادر گردد.

این شعار بیش از سی سال است که مطالبه مبارزین و انقلابیون کمونیست در دوره جمهوری اسلامی بوده و از طرف فعالین حقوق بشر در جهان نیز مورد حمایت قرار گرفته است. این شعار، که میراث گرانقدر مبارزات ضد سلطنتی سالهای ۵۶-۵۷ میباشد، یکی از شعارهایی است که در تظاهرات میلیونی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ نیز بر سر زبانها جاری گردید و به دنبال آن در کنار شعارهای دیگر در همه تظاهرات تکرار شد. این یک مطالبه همگانی در میان آزادیخواهان است و مادران صلح، مادران عزادار، مادران مبارزین موجود در صف اعدام و از جمله مادر پیشرو و رزمنده زنده یاد "فرزاد کمانگر"، یکی از مطالباتشان را آزادی زندانی سیاسی و رفع هرگونه تعقیبی از آنان قرار داده‌اند. این خواست که با مطالبه "لغو اعدام" تکمیل گردیده در بطن خواست اعتصاب پیروزمند ۲۳ اردیبهشت کردستان قرار داشت. آن اعتصاب سراسری که به اعتراض به اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر برپا گردید یک پیام روشن برای مقامات جمهوری اسلامی داشت: پیام این بود که مردم فرزندان در بند خود را تنها نخواهند گذاشت و هرگونه تعرض به جان آنها را دیر یا زود با تعرضی همه جانبه جواب خواهند داد.

جمهوری اسلامی برای بقای خود به گسترش فضای ترس و وحشت، سرکوب، شکنجه و اعدام هر چه بیشتر روی آورده است. انتشار شایعه اعدام قریب الوقوع "زینب جلالیان"، در راستای تحقق همین سیاست ضد انسانی انجام گرفته است. اما شایعه اعدام قریب الوقوع زن جسور و مبارزی چون زینب تنها میتواند موجب خشم بیشتر مردم آزاده علیه جمهوری

اسلامی شده و بر دامنه فعالیت برای تحقق شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "لغو فوری اعدام" بیافزاید. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به نسبت جمعیتش بیشترین تعداد اعدامها در جهان را دارد. این رژیم به دنبال مبارزات آزادیخواهانه پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری و تضعیف رو به تزایدش در منطقه و جهان به تعداد اعدامها افزوده است. برای مثال مقامات رژیم فقط در خرداد ماه امسال ۴۰ تن را به دار آویختند به این امید که ترس بیشتری را در جامعه دامن بزنند. اما این سیاستی است که با شکست مواجه شده و هر اعدامی موجب افزایش خشم مردم خواهد شد. این خشم وقتی بیشتر زبانه میکشد که پای زندانی سیاسی و مبارز برابری طلب و زحمتکشی همچون "زینب جلالیان" در میان باشد. در روزهای منتهی به سالگرد جنایت ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و شایعات پیرامون "زینب جلالیان"، مبارزه برای تحقق "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "لغو فوری اعدام" را تشدید کرده و آنرا سازمانیافته‌تر کنیم.

گفتار روز تلویزیون کومه له

۱۲ تیر ماه ۱۳۸۹ ۳ جولای ۲۰۱۰

"سازمان عفو بین الملل" از جمله سازمانهای فعال در زمینه حقوق بشر است که در روزهای اخیر اعلام کرده که زندانبانان جمهوری اسلامی ارتباط زندانی سیاسی "زینب جلالیان"، با خارج زندان و از جمله با خانواده‌اش را قطع کرده و او را دور از دسترس و کیل مدافعش نگه داشته‌اند. در میان زندانیان سیاسی در معرض اعدام ۱۸ نفر آنان از منطقه کردستان هستند که زینب یکی از آنها می‌باشد. او در دی ماه سال گذشته به اتهام مسخره و ضد انسانی محاربه در یک بیدادگاه رژیم به اعدام محکوم شد و حکمش مورد تایید دیوان عالی رژیم قرار گرفت. در نتیجه صدور اینگونه احکام که در سی سال گذشته در بیدادگاههای رژیم جریان داشته، هزاران زندانی سیاسی به جوخه‌های آتش و یا دار اعدام سپرده شده‌اند تا در بطن هراس ناشی از آن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بتوانند به حیات ننگینش ادامه دهد. اما تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و تغییر تناسب قوا به نفع مردم زمینه‌ای ایجاد کرده است که بر بستر آن هر اقدام رژیم برای ایجاد رعب در جامعه و از جمله شایعه پراکندن پیرامون زینب به خشم مردم دامن خواهد زد.

زینب ۲۷ سال پیش در یک خانواده روستائی در منطقه ماکو، در استان آذربایجان غربی، به دنیا آمد. وی عاشق تحصیل بود، اما در سن ده سالگی ناچار به ترک تحصیل گردید. چند سال بعد برای رهایی از تبعیضی که بر وی روا داشته شده بود روستایشان را ترک کرد و به صف سازمان "پ. ک. ک" پیوست. او در آنجا به درس خواندن ادامه

داد و سواد خواندن و نوشتن خود را در گرماگرم شرایط جنگی منطقه تکمیل نمود. پس از مدتی به این نتیجه رسید به روستای خود برگردد و فعالیت سیاسی خود را به شیوه دیگری دنبال کند و به کار آگاهگرانه در میان زحمتکشان منطقه اش بپردازد. او حین سفر به طرف روستای خود دستگیر و دادگاهی شد. دادگاه او را به یک سال حبس به خاطر عبور از مرز محکوم کرد. اما بعدا دستگاه اطلاعاتی رژیم به این نتیجه رسید بهتر است او را در صف اعدامی‌ها قرار دهند تا به هنگام نیاز ضد انقلابی به اعدام یک زن انقلابی او را قربانی مطامع حکومت رو به مرگشان نمایند. به همین دلیل او را طی یک بیدادگاه سه دقیقه‌ای، غیر علنی، بدون وکیل و بدون ارائه هیچ سندی محکوم به مرگ کردند. اما محکوم کردن یک زن جسور و برابری طلب به مرگ نه تنها به نفع جمهوری اسلامی تمام نشده، بلکه موجب آبرو ریزی بیشتر آن و رسواتر شدن دستگاه قضائی فاسد و سرسپرده‌اش گردیده است. هم اکنون زینب به چهره‌ای جهانی تبدیل شده و به شدت مورد احترام آزادیخواهان در داخل کشور می‌باشد. به همین جهت نام او کافیست تا مبارزه برای تحقق "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به

سرنوشت زنان و مردان در جامعه تحت سلطه جمهوری اسلامی بیش از گذشته به هم گره خورده است. تمام کارگران پیشرو و همه مردان آزاده خواهان برابری کامل زن و مرد در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و رفع کلیه تبعیضات حقوقی و فرهنگی و اجتماعی علیه زنان بوده و برای تحقق آنها مبارزه کرده و می‌کنند. در ضمن گرایش رادیکال در جنبش زنان با سمت گیری سوسیالیستی می‌کوشد با نجات دادن جنبش زنان از دست نخبگان لیبرال و از طریق جلب توده زنان به مبارزه تحقق مطالبات مذکور را تسهیل کند. در ضمن تلاش برای تحقق این مطالبات در دل مبارزات توده‌ای و آزادیخواهانه سال گذشته تقویت شده است. در کنار این عوامل مثبت، ضعف دایما در حال افزایش جمهوری اسلامی و گرفتار آمدن آن در چنبره بحرانهای سیاسی و اقتصادی بستری را میسازند که می‌توانند شکست سیاست های ضد زن جمهوری اسلامی در زمان کوتاه‌تری رقم بزنند.

با تشدید مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و رژیم خدمتگزار آن می‌توان کاری کرد که سیاست های ضد زن جمهوری اسلامی زودتر از حد انتظار به شکست کشانده شود. برای اینکار باید گرایش لیبرالی و نخبه‌گرا در جنبش زنان تضعیف شده و گرایش رادیکال و سوسیالیستی در آن تقویت گردد. لازم است با مبارزه علیه فقر و بیکاری در کل جامعه ترتیبی داد تا زنان مجبور نشوند با کمترین دستمزدها و محرومیت از تمام حقوق برای کارفرماها جان بکنند و نائی برای پرداختن به مبارزه سیاسی در آنان باقی نماند. باید در کنار تلاش برای سازمان دادن زنان و مردان کارگر در تشکل های طبقاتی و سیاسی تواما برای سازمان دادن توده‌ای زنان در تشکل های ویژه خودشان نیز کوشید. جمهوری اسلامی برای نجات حیات ننگین خود زنان را از هر نظر زیر فشار گذاشته و با فریبکاری می‌کوشد بی حقوقی های آنان را دستاورد جلوه دهد. وظیفه کمونیست ها و کارگران پیشرو این است که این رژیم خدمتگزار سرمایه را درست در همین جا با شکست مواجه سازند.

گفتار روز تلویزیون کومه له

۵ تیر ماه ۱۳۸۹



یاد جانباختگان ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ را با ادامه مبارزه تا سرنگونی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی گرامی بدراریم!

احزاب و سازمانهای کمونیست، کانون ها و نهادهای انقلابی و ایرانیان
آزادبخواه در تبعید!

برخلاف این درک نادرست، بعد از سرکوب موقت مبارزات مردم در تیرماه
۱۳۷۸، کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و سایر اقشار مردم، مصمم تر از قبل
و با یقین و اعتماد به نفس بیشتری به مبارزات خود برای سرنگونی حکومت
جمهوری اسلامی ادامه داده اند.

نگاه مختصری به آمار مبارزات و اعتصابات کارگری، مبارزه گسترده و بی
وقفه زنان، مبارزه جسورانه و مسولانه دانشجویان، اعتصابات سراسری در
شهرهای کردستان، برگزاری بی باکانه اول ماه مه ها و ۸ مارس ها و... در طول
دهه گذشته، نشان میدهد که محاسبه سردمداران جمهوری اسلامی و احزاب
لیبرال کاملاً نادرست بوده و توده های مردم فریب اوامه پراکنی اصلاح طلبان
حکومتی و لیبرالهای خارج از حکومت را نخواهند خورد.

مبارزات گسترده توده های مردم در خرداد و تیر ۱۳۸۸ و رادیکال شدن بیش
از پیش این مبارزات، بیانگر این واقعیت است که چپ جامعه ایران بیش
از لیبرالها و ناسیونالیستهای ایرانی شانس سازماندهی و به پیروزی رساندن
مبارزات توده های مردم را دارند.

ما اعضا و هواداران حزب کمونیست ایران در تشکیلات خارج کشور، همدوش
با سایر احزاب و سازمانهای کمونیست و آزادبخواه تلاش میکنیم با مبارزه ای
پیگیر در جهت افشای ماهیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و چهره
فریبکارانه اصلاح طلبان درون حکومت و احزاب و جریانات لیبرال خواهان
تغییر و تعدیل این رژیم، یاد و مبارزه جانباختگان ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ را با ادامه مبارزه
تا سرنگونی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی ادامه دهیم.

زنده باد سوسیالیزم!
گرامی باد یاد جانباختگان ۱۸ تیر ۱۳۷۸

کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران
۴،۷،۲۰۱۰

اگر تاریخ مبارزات توده های به جان آمده از جنایات حکومت سرمایه داری
و دیکتاتوری جمهوری اسلامی را مرور کنیم، ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ نقطه عطف و
نقطه شروع جنبش مردم به ستوه آمده ایران علیه تمامیت حکومت جنایت کار
و ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ دانشجویان مبارز و مردم آزادبخواه ایران، به دنبال تعطیل
روزنامه سلام و حمله به کوی دانشجویان دانشگاه تهران، دست به اعتراض
گسترده ای زدند. این اعتراض گسترده که مدت شش شبانه روز در شهر تهران
و اغلب شهرهای بزرگ و مراکز استان ها ادامه داشت، در واقع کيفرخواستی
بود که توده های مردم ایران علیه کلیه جناح های جنایتکار جمهوری اسلامی
صادر کردند.

در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ توده های مردم مبارز ایران به جهانیان نشان دادند، که مردم
به ستوه آمده، دیگر فریب وعده های پوچ و بی مایه ی هیچ جناحی از حاکمیت
را نخواهند خورد و حنای باصطلاح دیالوگ تمدنها و اصلاحات حکومتی
نمیتواند در نزد آنان رنگی داشته باشد.

در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ هر دو جناح جنایتکار و مرتجع جمهوری اسلامی علیه مردم
بپاخاسته متحد شدند و با سرکوب وحشیانه توده های مردم و کشتار جمع
زیادی از انسانهای مبارز و انقلابی نشان دادند که هرگونه اصلاح و تعدیل در
حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی امری محال و غیرممکن است.

بعد از کشتار ۱۸ تیر و سرکوب نسبی مبارزات توده های مردم، هر دو جناح
سرمایه داری جمهوری اسلامی و بورژوازی غرب و احزاب لیبرال مخالف
بخشی از جمهوری اسلامی با دلخوش بودن به اینکه اعتراضات ۱۸ تیر صرفاً
دانشجویی و مربوط به جوانان ناراضی بوده و ارتباطی به خواست سرنگونی
طلبی توده های مردم ندارد، تلاش کردند در جهت تمکین توده های به جان
آمده مردم و متقاعد کردن آنان به تغییرات جزئی و آرام، به حاکمیت ننگین
جمهوری اسلامی تداوم بخشند.

آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نماینده گی کومه له
در خارج کشور

K.K.
P.O.Box 75026
750 26 Uppsala
Sweden
Fax: +46-18-46 84 93
komala@cpiran.org
Tel: +44 -7746163103

کمیته خارج کشور
+46-707 254 016
kkh@cpiran.org

نماینده گی کومه له در سلیمانیه
Tel: 009647701567854
009647701900768
00964533300657

کمیته مرکزی کومه له
Tel: 00442081441539

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I
Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
cpi@cpiran.org

از سایت های
حزب کمونیست ایران
و کومه له دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org

سایت کومه له

www.komalah.org

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com